



۲۰۲۰/۱۲/۱۲



اختر محمد یوسفی

بارز صاحب محترم! « من کمک خیرات نمی خواهم »

من بشمول جناب شما هیچ کس را مجبور نساخته بودم و نمی سازم، که اگر حوصله خواندن و نوشتن را ندارند، نوشته های مرا که خوش ندارند بخوانند.

جناب بارز صاحب!

من احترامانه نظر خودم را قبلاً بشما در جواب نوشته قبلی شما که اخلاقاً تفتیس عقاید و خلاف عرف آزادی ابراز نظر دیگران بود، و از طرف شما به اسم خودم به عنوان درشت نوشته شده بود، جواب خود را نوشته بوده ام. من چشم پوشی نکرده بودم، دلایل که خودم میدانستم بجواب نوشته شما بودم. من در نوشته خود متعقد هستم که بشما احترامانه براساس اسناد نوشته بودم. مگر متاسفانه من از شما در جواب خود توقع اتهام زدن و جانبداری اشخاص را نداشتم. من نیاز به توصیه های دفاعی اشخاص در مورد حلقات فاسد نظام "دولت" افغانستان ندارم، و همچنان وقت شنیدن اتهام زنی تیکه داری شما را هم در مورد نشر نوشته هایم در نشرات آریانا افغانستان را ندارم. من مانند سایر هموطنانم انسان نارمل هستم، شما از روی بغض و کینه علیه من اتهام تیکه داری نشریه آریانا افغانستان را نوشته بودید. نه دانستم که مشکل شما با زیاد نویسی من چیست؟.

من از راه دور در حالیکه هیچیک از گردانندگان و وطنپرست نشریه آریانا افغانستان را از نزدیک نمی شناسم، مگر آنها در عالم مهاجرت و مشکلات که دارند، باز هم نظرات هموطنان خود را را بدون سانسور و تعصب نشر می کنند، قلباً افتخار میکنم که ما و شما چنین هموطنان صادق را داریم.

این حق و نظر شماست که با هیاهوی شعارهای مصنوعی نابغه و جفت همکار کلاه بردار که محصول جنگ چهار دهه بیگانگان در افغانستان است، با حمایت مستقیم خرجی و مدارس آی. آی. اس. آی. و قم وغیره به داخل ارگ شاهی افغانستان شده اند، برای من آنقدر قابل بحث و مهم نبوده، اسناد عملکرد شان برای مردم کشور و جهانیان روشن است. روش فرد گرایی را باید بدور بگذاریم، در اینجا سرنوشت یک ملت مظلوم و بی دفاع مطرح است، انحراف از اصول سیاست ملی و یا نادیده گرفتن توان یک ملت جایز نیست، در صورتیکه یک نظام فاسد بالای کرده های یک ملت مظلوم حاکم باشد. این ادعا شما کاملاً نادرست است که در افغانستان بدون غنی و دو معاونش کسی دیگری وجود ندارد. در افغانستان مانند سایر ملل جهان چه اگر فقیر و یا غنی باشد قحط الرجال استعداد ها وجود ندارد، شما میدانند که اکنون مشکل مردم افغانستان با بیشتر از سی میلیون نفوس بشری آن چیست؟

مردم بیدفاع افغانستان با دستان خالی شان در گرو بیش از چهل کشور پیشرفته جهان و عمال اجیر خارجی شان هستند، اشرف غنی با معاونانش هم جز همان حلقات نظام هستند.



نمی خواهیم اکنون دوسیه های قراردادی های خویشاوندان لبنانی و جمع آوری پولها را توسط اجمل غنی برادر زاده وی در این جا بنویسیم.

عدم به نمایش گذاشتن توانایی یک ملت ناتوانی ملت نیست. در جهان نمونه های فراوان ملل وجود دارد که ظالمان و خونخواران بکمک اجیران خویش حقوق و آزادی های سیاسی ملت و مردمان آن را سلب نموده اند، به ملت موقع زندگی آزاد های سیاسی مانند افغانستان داده نشده است. اگر ملت مظلوم افغانستان خود روزی قدرت پیدا کند، می تواند با تمام غارتگران دارایی های ملی کشور را در سه دهه درست محاسبه خواهند کرد. بارز صاحب !

شوخی نیست، زندگینامه غنی و عملکرد کارنامه های وی با تمام همصنفان، بشمول معاونانش "جهادی" و طلبه های قم در جنگ افغانستان در نزد مردم کشور با اسناد موجود است. مردم چشم و هوش دارند، لطفاً از این ریکلام های فریبنده اشرف غنی را که گفته بود، « من کمک خیریه نمی خواهم » با شعارهای عالم فقیه و نابغه بودنش را به طاق یونیورسیتی بیروت بگذارید.

بزرگان گفته اند که «نشستن بر سر تخت پادشاهی یا تخت است و یا تابوت.» هیچکس تفنگچه را به شقیقه اشرف غنی نگرفته بود که از امریکا بیاید، مقتدرترین وزیر مالیه افغانستان باشد، رئیس جمهور افغانستان شود، رشید دوستم را معاون اول رئیس جمهور و یا مارشال بسازد، با عبدالله چندین بار معاملات غیر قانونی "سیاسی" نماید، پنجهزار طالب قاتل مردم بیگناه کشور بشمول انس حقانی را رها کند، زن بیسواد را وزیر معارف بسازد که میخواد اطفال معصوم مردم کشور را از مکاتب رسمی برای تربیت شست و شوی مغزی به مساجد ببرند که تروریست تربیه کنند.

با کثافت کاریهای اشرف غنی، معاونانش، تیم مفسد مشاوران او که ماهانه میلیون ها پول ملت را مصرف و حیف میل می کند، بشمول رهبران جنایتکار "جهادی" افغانستان می توان کتابها نوشت. لطفاً ویدیوی معتادین مواد مخدر را در زیر پل سوخته سرای غزنی شهر کابل تماشا کنید، بیست سال می شود موتر های اشرف غنی و دار و دسته های مفسد "دولت" بالای همان پل عبور و مرور می کند، که دهها هموطن مریض ما در زمین نمناک می خوابد و میمیرند.

درد و درک انسانها از پدیده های اجتماعی - سیاسی متفاوت است، مثل نیکوی مردم عوام کشور است که میگوید «همان جای زمین میسوزد که آتش بالایش روشن است». من با انتخابات باور دارم و خودم همیشه رای میدهم، مگر خجالت کشیدم در حالیکه شما بحیث انسان محترم و تحصیلکرده در کشور مهد دیموکراسی اروپا زندگی می کنید، به تیایتر غنی و عبدالله نام انتخابات را ذکر نمودید، و یا قرار داد های "سیاسی" شرم آور باند های فاسد را که توسط شبکه های استخباراتی خارجی تهیه می شود، اجرای اعمال غیر قانونی را مجبوریت اشرف غنی میدانید.

من هم فرزند همان خاک پرغروراستم، افغانستان کشوریان تمام اتباع آنست، قباله افغانستان بنام اشخاص چون غنی و معاونانش ثبت نشده است. بلی من بدون شک و تردید با اعمال دشمنان مردم و خائنین کشورم هیچگاهی برخورد عاطفی ندارم انتقادی می نویسم.

بارز صاحب، باور کنید، که من زود نویس بیچاره طوریکه شما هم از لابلای نوشته های انتقادی من در سه ماده توصیف نموده بودید، هیچ علاقه نداشته و ندارم مگر اتهامات شما مجبورم ساخت، که با اشخاص محترم که با توانایی یک ملت با غرور عقیده ندارد، عاشق چند فرد مفسد شده است، کثافت نظام فاسد کنونی را نمی بینند، از مشتی غارتگر و خائن تنظیم های "جهادی" و کلاه بردار که در کشور دیسانت شده اند دفاع می کند بحث ندارم.

اگر کسانی باشد که با توانایی ملت افغان شک دارند توانایی ملت را امتحان کنند. تانک، توپ، و طیاره های بم افگن حمایوی خارجی و مفسدین و اجیران غولدر طالب و غیره شان را از شانته های مردم بیدفاع میهن دور کنند و به مردم افغانستان آزادانه موقع بدهند، باز شما خواهید دید که حمایتگران خارجی اجیران غولدر خود را مانند موشها در غار هم پیدا کرده نه توانند.

با فامیل معظم تان با صحت و سلامت باشید.

پای.



د اختر محمد یوسفی د نور و لیکنو لیاړه ، دلته کلیک وکړی